

ارتباط مدیریت سود واقعی و تعهدی با محافظه کاری مدیران

دکتر سعید جبارزاده کنگرلویی

دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

jabbarzadeh.s@gmail.com

دکتر جمال بحری ثالث

دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

bahrsls.j@gmail.com

شبنم بالازاده قره باغی

دانشجوی دکترای حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

shabnam.garebaghi@gmail.com

ترلان آقازاده

دانشجوی دکترای حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

mina.136392@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین ارتباط بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با محافظه کاری حسابداری است. در این پژوهش محافظه کاری حسابداری با استفاده از مدل خان و واتس (۲۰۰۹) اندازه‌گیری شده است. مدیریت سود واقعی با استفاده از شاخص یکپارچه مدل روی چودهری (۲۰۰۶) مورد سنجش قرار گرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی علی پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند و با روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۳۰ شرکت در نمونه آماری قرار گرفته‌اند. دوره زمانی پژوهش سال‌های ۹۴ تا ۹۸ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون بهره‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی با محافظه کاری حسابداری ارتباط معکوس دارد اما مدیریت سود تعهدی ارتباط معناداری با محافظه کاری حسابداری ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی، محافظه کاری، محافظه کاری شرطی.

مقدمه

هدف پژوهش حاضر بررسی تعیین ارتباط مدیریت سود واقعی و تعهدی با محافظه کاری حسابداری است. وقتی بخواهیم به این موضوع وسیع‌تر و واژه به واژه نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد واژه مدیریت سود از دو کلمه تشکیل شده است و واژه مدیریت در ظاهر به معنی اداره امور است که کلمه مقدسی هست و در مقابل سود هم واژه مقدسی می‌باشد که عملکرد یک مجموعه را نشان می‌دهد. وقتی بخواهیم از دید جامعه حسابداری و حرفه‌ای به این موضوع بنگریم متوجه خواهیم شد؛ مدیریت سود یعنی مدیریت کردن سود در جهت منافع عده‌ای خاص. مدیریت سود می‌تواند به صورت تعهدی و واقعی صورت پذیرد. زمانی که سود از طریق تغییر روش و استفاده از انعطاف‌پذیری رویه‌های حسابداری، مدیریت گردد به مدیریت سود تعهدی اشاره دارد حال آنکه وقتی از طریق اعمال روش‌ها و سیاست‌هایی که مستقیماً سود را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد مانند تغییر سیاست فروش که زمان دریافت و پرداخت درآمدها و هزینه‌ها را به تأخیر بیندازد مدیریت سود واقعی نامیده می‌شود. در اینجا بحث از زمان جابجایی سود شد که اشاره به مبنای تعهدی سود دارد.

مبنای تعهدی سود زائیده ابهام در حسابداری است و اختیار عمل مدیران را زیاد کرده و در نهایت خواسته‌ها مدیران را با گزارشگری همسو کرده است و این در بلندمدت می‌تواند برای ذینفعان زیان‌های جبران‌ناپذیری را وارد نماید. اما بحث اصلی اینجاست که اصل محافظه‌کاری در حسابداری بیان می‌کند مدیران باید درجه‌ای از احتیاط را در گزارشگری مالی بکار گیرند تا حق و حقوق ذینفعان حفظ گردد. بنابراین یکی از متغیرهایی که می‌تواند تحت تأثیر مدیریت سود قرار گیرد میزان محافظه‌کاری مدیران می‌باشد که الگوی آن‌ها را در تعیین میزان مدیریت سود (حداکثر سازی، حداقل سازی و هموارسازی سود) مشخص می‌کند. در ادامه مقاله ضمن ارائه مختصری از ادبیات نظری به روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

محافظه‌کاری حسابداری یکی از مهم‌ترین میثاق‌های محدود کننده‌ی صورتهای مالی به شمار می‌رود. مفهوم محافظه‌کاری اولین بار توسط بلیس (۱۹۲۴) مطرح شد. او بیان کرد سودها را پیش بینی کنید ولی زیان‌ها را پیش‌بینی نکنید. باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را گرایش به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب (سود) در مقایسه با میزان تاییدپذیری لازم برای شناسایی اخبار بد (زیان) می‌داند. محافظه‌کاری را می‌توان محصول ابهام دانست و هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند محافظه‌کاری را به کار می‌برند. یعنی در زمان وجود ابهام حسابداران باید سودها و درآمدها را بیشتر از واقع شناسایی نکنند.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران از واژه احتیاط بجای محافظه‌کاری استفاده کرده است. یعنی درجه‌ای از مراقبت در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند تعریف شده است. همچنین محافظه‌کاری بصورت شرطی و غیر شرطی تفکیک شده است. محافظه‌کاری شرطی: یعنی اعمالی محافظه‌کاری در صورت سود و زیان است (یعنی دیدگاه سود و زیانی) در این دیدگاه شناسایی سودها به تعویق افتاده و در شناسایی زیان‌ها تعجیل می‌شود. که چون طبق الزامات و رویه‌های حسابداری انجام می‌شود به آن محافظه‌کاری واقعی گفته می‌شود. محافظه‌کاری در حسابداری به عنوان عدم تقارن زمانی شناسایی اخبار خوب در مقابل اخبار بد در صورتهای مالی تفسیر شده است.

سودخالص از اطلاعات اساسی در صورتهای مالی است. صورت سود و زیان مقدار ریالی سود را نشان می‌دهد که با سود سال‌های گذشته و سود سایر شرکت‌ها قابل مقایسه می‌باشد. اما سرمایه‌گذاران علاوه بر کمیت سود، علاقه‌مند هستند تا از کیفیت سود نیز آگاه باشند. زیرا سود بر مبنای تعهدی اندازه‌گیری می‌شود و بکارگیری مبنای تعهدی به مدیران اجازه می‌دهد تا بدون دریافت و پرداخت وجه نقد مقدار سود را افزایش یا کاهش دهند. با افزایش ارقام تعهدی سود و فاصله گرفتن از جریان نقدی عملیاتی، کیفیت سود کاهش می‌یابد (حال آنکه در این میان نباید از مدیریت سود خوب نیز غافل بود) پس صورت سود و زیان به تنهایی بیانگر اطلاعات دقیقی از کیفیت سود نیست. مبنای تعهدی، واقعیت‌های اقتصادی در شرکت را به صورت کامل‌تر و شفاف‌تر منعکس می‌کند. اما به دلیل برخی قضاوت‌ها در خصوص زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها و امکان انتقال آن‌ها از سالی به سال دیگر ممکن است ارقام درآمد و هزینه توسط مدیریت مورد دستکاری واقع شوند.

بنابراین جای تعجب ندارد که ذی‌نفعان مختلف شرکت مدیریت سود را نامطلوب می‌دانند و تلاش می‌کنند تا اختیارات و اعمال نظر مدیران را از طریق تشدید نظارت بر آنان کاهش دهند. در همین رابطه سهامداران محافظه‌کاری را به عنوان ابزار نظارتی تلقی می‌کنند که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی را محدود می‌سازد (گارسیا و همکاران ۲۰۱۲).

در متون حسابداری محافظه کاری حسابداری به عنوان یکی از شاخص های ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر شناخته شده است.

بر این اساس هرچه سطح محافظه کاری بیشتر باشد مدیریت وظیفه خود را به عنوان یک مباشرت به درستی انجام داده است. به بیان دیگر مدیریت سود موجب می شود تا مدیریت واحد تجاری وظیفه مباشرت خود را در راستای اهداف واحد تجاری و منافع سهامداران آن انجام ندهد و یا در انجام آن قصور نماید (واتس، ۲۰۰۳).

با توجه به موارد گفته شده و تعریف محافظه کاری در حسابداری (یکی از ویژگیهای کیفی سود است) به عنوان تفاوت در تأییدپذیری لازم برای شناخت سود و زیان. واتس (۲۰۰۳)، بیان می کند محافظه کارانه بودن سود برای سرمایه گذاران و تحلیلگران و سایر استفاده کنندگان به علت اینکه منشاء آن عدم اطمینان نسبت به آینده است، به عنوان یکی از ویژگی های کیفی سود برای ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر متغیر مهمی است.

در نهایت؛ محافظه کاری موجب می شود تا مدیر و سایر گروه ها نظیر سهامداران مبالغ کمتری از سود را دریافت نمایند. بنابراین این موضوع موجب افزایش ارزش شرکت می شود. به عقیده واتس (۲۰۰۳)، محافظه کاری بواسطه کم نمایی سود موجب محدود شدن تقسیم سود، پاداش مدیریت و کاهش هزینه های نمایندگی مرتبط با آن می شود.

با توجه به فرضیه مباشرت مدیریت، می توان بیان کرد مدیریت سود یعنی عدم رعایت محافظه کاری که البته نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه متضاد می باشد. بطوریکه هان و لی (۲۰۱۸)؛ خوان گارسیا و همکاران (۲۰۱۶)؛ عابد و همکاران (۲۰۱۲)؛ عبدالکریم و همکاران (۲۰۱۱)؛ گارسیا و گارسیا (۲۰۱۰)؛ اعتمادی و فرج زاده (۱۳۹۱) رابطه منفی بین محافظه کاری و مدیریت سود را بیان کرد حال آنکه شریفات و غیاثوند (۱۳۹۵) رابطه مثبت را نشان دادند و مطالعات لین و همکاران (۲۰۱۴) هیچگونه رابطه ای را نشان نداد. از اینرو با در نظر گرفتن تضاد نتایج بررسی این مهم در محیط اقتصادی ایران جهت بسط و توسعه ادبیات نظری ضروری به نظر می رسد و سئوالات زیر مطرح می شود:

- ارتباط مدیریت سود واقعی محافظه کاری حسابداری چگونه است؟

- ارتباط مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری چگونه است؟

پیشینه تجربی پژوهش

چیا چون هسیه و همکاران (۲۰۱۸)، بررسی این موضوع پرداختند که آیا محافظه کار بودن حسابداری می تواند به عنوان یک پاسخ منطقی به ابهام توضیح داده شود. آن ها دو معیار مختلف را برای سطح مشخص ابهام شرکت اتخاذ کرده اند. اولاً، شرکت هایی را شناسایی نموده اند که به دنبال استراتژی های کسب و کار "آینده نگر" در مقابل "مدافع" هستند. استراتژی کسب و کار مدافع بر استفاده از منابع موجود تمرکز می کند و آینده نگر به طور آشکار آینده خود را با دنبال کردن فرصت های کسب و کار جدید ایجاد می کند و بنابراین ابهام بیشتری دارند. دوم مجموعه ای از آزمایش های مبتنی بر مرور اجمال محیطی که ابهام را کاهش می دهد، انجام دادند. نتایج آن ها نشان می دهد شرکت هایی که ابهام بیشتری دارند، محافظه کارتر گزارش می دهند.

هان و لی (۲۰۱۸)، در پژوهش خود رابطه بین محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود واقعی در شرکت های چینی را بررسی کردند و پس از کنترل کیفیت حسابرسی داخلی و ریسک حسابرسی، رابطه منفی بین محافظه کاری حسابداری غیرشرطی و مدیریت سود واقعی را منعکس نمودند.

خوان گارسیا و همکاران (۲۰۱۶)، محافظه کاری شرطی باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می شود همچنین باعث می شود که تعادل و توازن بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی افزایش یابد.

لین و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری، سرمایه گذاران نهادی و دستکاری در سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگ، گزارشگری مالی محافظه کارانه دارند و احتمال کمتری وجود دارد که به دستکاری در سود بپردازند. همچنین بین مدیریت سود و سهام سرمایه‌گذاران نهادی رابطه معکوسی وجود دارد.

بیکی و هوی (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان محافظه کاری حسابداری و پیش بینی‌های سود مدیریتی، معتقد هستند که محافظه کاری حسابداری برای پیش بینی‌های سود، حاوی اطلاعات مفید است. زیرا محافظه کاری حسابداری می‌تواند پیش بینی‌های خوش‌بینانه مدیریت درباره سود را محدود نماید. آن‌ها همچنین اذعان می‌نمایند که محافظه کاری حسابداری به عنوان یک مکانیزم نظام راهبری رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیر در بیش نمایی سود را محدود می‌نماید.

عابد و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان سطوح محافظه کاری در سیاست‌های حسابداری و تأثیر آن بر مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که میان محافظه کاری و اندازه‌ی شرکت با مدیریت سود رابطه‌ای منفی وجود دارد. همچنین آنان نشان دادند که رابطه‌ای مثبت میان عملکرد شرکت با مدیریت سود وجود دارد.

اتریدیس (۲۰۱۱)، ضمن بررسی رابطه بین افشای حسابداری، کیفیت حسابداری و محافظه کاری مشروط و نامشروط، دریافت هنگامی که جریان‌های نقد کمتر یا اهرم مالی بیشتر است، شرکت‌ها اطلاعات حسابداری را با کیفیت بالا ارائه می‌کنند، زیان را بهنگام تر شناسایی می‌کنند و سود را معمولاً کمتر مدیریت می‌کنند.

عبدالکریم و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند رابطه‌ای منفی بین محافظه کاری حسابداری و مدیریت سود وجود دارد. گارسیا لارا و گارسیا اوسما (۲۰۱۰)، در پژوهشی علاوه بر بررسی تأثیر محافظه کاری بر مدیریت سود، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اعمال محدودیت در مورد دستکاری ارقام تعهدی به کاهش محافظه کاری از طریق افزایش مدیریت سود واقعی منجر می‌شود؟ نتایج پژوهش یک رابطه منفی بین محافظه کاری و دستکاری ارقام تعهدی و یک رابطه مثبت بین محافظه کاری و مدیریت سود واقعی را نشان می‌دهد.

شریفات و غیاثوند (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان تأثیر محافظه کاری حسابداری بر تمرکز سهامداران نهادی و مدیریت سود معقدند که محافظه کاری حسابداری بر تمرکز سهامداران نهادی و مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. اعتمادی و فرج زاده (۱۳۹۱)، بیان می‌کنند که اولاً مدیریت سود، صرف نظر از جهت آن باعث افزایش محافظه کاری می‌شود، شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود کاهشی می‌کنند، سود محافظه کارانه تری را گزارش می‌کنند که نشان دهنده بیش محافظه کاری است. همچنین شرکت‌هایی که از طریق ارقام تعهدی مثبت، به مدیریت سود افزایشی مبادرت می‌ورزند، محافظه کاری کمتری را در گزارشگری خود اعمال می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش به دنبال اینکه نتایج آن می‌تواند در تدوین قوانین و مقررات بورس و استانداردهای حسابداری، حسابرسی، مورد استفاده سرمایه‌گذاران و ... قرار گیرد، لذا از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد و از طرفی به دنبال یافتن ارتباط چند متغیر می‌باشد که از نوع علی و روش‌شناسی آن از نوع پس رویدادی می‌باشد، بدین معنی که پژوهش بر اساس اطلاعات گذشته انجام شده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این پژوهش از دو روش جمع‌آوری شده‌اند؛ ابتدا برخی اطلاعات مربوط به مباحث تئوریک پژوهش بوده که به روش کتابخانه‌ای از طریق منابع و مآخذ در قالب کتب، مجلات و نشریات تخصصی و پایان‌نامه‌ها، گردآوری شده است. سپس اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جهت تحلیل رابطه بین داده‌ها عمدتاً

از نرم افزار اطلاعاتی ره آورد نوین و منابع سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده و پس از تهیه جداول و طبقه بندی (پردازش اولیه) در نرم افزار اکسل به وسیله نرم افزار Stata مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه های این پژوهش با توجه به مبانی نظری عبارتند از:
فرضیه اصلی اول: بین مدیریت سود واقعی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد.
فرضیه اصلی دوم: بین مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. در این پژوهش به منظور انتخاب جامعه مورد مطالعه از روش حذف هدفمند استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده اند برای پژوهش انتخاب شدند.
۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت ها آخرین روز اسفند ماه باشد.
۲. به منظور همگن بودن اطلاعات، ماهیت فعالیت آن ها جزو شرکت های مالی نباشد.
۳. طی دوره مورد بررسی از بورس اوراق بهادار خارج نشده باشند.
۴. توقف نماد بیش از ۶ ماه نداشته باشند.
۵. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این تحقیق قابل دسترسی باشد.
با اعمال شرایط فوق تعداد اعضای جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۱۳۰ شرکت است.

جدول (۱): تعیین نمونه آماری

تعداد	تعداد	شرح
۳۰۳		تعداد شرکت های جامعه آماری تا پایان سال ۱۳۹۸
	۳۳	شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها، واسطه گری مالی، بیمه ها، هلدینگ ها و لیزینگ ها
	۷۸	شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفندماه نیست
	۳۵	توقف نماد معاملاتی بیش از ۶ ماه
	۲۷	شرکت هایی که اطلاعات آن ها در دسترس نیست
(۱۷۳)		شرکت های حذف شده در نمونه آماری پژوهش
۱۳۰		شرکت های باقیمانده در نمونه آماری پژوهش

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای این پژوهش شامل متغیر وابسته (محافظه کاری حسابداری) و متغیر مستقل (مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی) می باشد.

متغیر وابسته (محافظه کاری حسابداری)

باسو (۱۹۹۷) بیان می کند که میان تاثیر اخبار خوب (یعنی بازده مثبت) و اخبار بد (یعنی بازده منفی) تفاوت وجود دارد و محافظه کاری حسابداری را به عنوان گرایش حسابداری به الزام درجه ی بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تایید پذیری لازم برای شناسایی اخبار بد تفسیر کرده است. یعنی تایید پذیری سود نسبت به اخبار بد بیش از اخبار خوب است. مدل باسو برای سنجش محافظه کاری شرطی به صورت زیر ارائه شده است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۷):
رابطه (۱)

$$\frac{E_t}{P_t} = \beta_0 + \beta_1 RET_t + \beta_2 D_t + \beta_3 D_t * RET_t + \varepsilon$$

که در آن:

E_t : سود هر سهم

P_t : ارزش بازار هر سهم

RET_t : بازده سهام

$\frac{E_t}{P_t}$: نسبت سود به قیمت هر سهم که نشان دهنده هزینه حقوق صاحبان سهام است.
 D_t : بیانگر متغیر مجازی یا ساختگی مدل بوده و دارای دو ارزش صفر و یک می باشد. این متغیر زمانی که بازه سهام منفی باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر به خود می گیرد.
در ادامه خان و واتس این مدل را گسترش دادند.

خان و واتس (۲۰۰۹) برای اندازه گیری محافظه کاری شرطی مدل باسو را بسط دادند. آنها معتقدند که محافظه کاری حسابداری و وقوع اخبار بد به ویژگی های داخلی هر شرکت بستگی دارد. در این مدل، اخبار خوب با شاخص G-Score و اخبار بد با شاخص C-Score مشخص می شوند که هر یک به سه متغیر توضیحی اندازه شرکت (Size)، نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن (M/B) و نسبت اهرم مالی (LEV) بستگی دارد.
رابطه (۲)

$$G - Score = \mu_0 = \mu_1 Size + \mu_2 M/B + \mu_3 LEV$$

رابطه (۳)

$$C - Score = \lambda_0 = \lambda_1 Size + \lambda_2 M/B + \lambda_3 LEV$$

در رابطه های ۲ و ۳:

Size: اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی ها بدست می آید.

M/B: از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن بدست می آید.

LEV: اهرم مالی که از تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها بدست می آید.

در مرحله بعدی مدل خان و واتس (۲۰۰۹) به صورت زیر شکل می گیرد.

رابطه (۴)

$$\begin{aligned} \frac{E_t}{P_t} = & \beta_0 + RET_t \left(\mu_0 + \mu_1 Size + \mu_2 \frac{M}{B} + \mu_3 LEV \right) + \beta_2 D_t + D_t \\ & * RET_t \left(\lambda_0 + \lambda_1 Size + \lambda_2 \frac{M}{B} + \lambda_3 LEV \right) + \delta_1 + \delta_2 Size + \delta_3 \frac{M}{B} + \delta_4 LEV + \delta_5 D \\ & * Size + \delta_6 D * \frac{M}{B} + \delta_7 D * LEV + \varepsilon \end{aligned}$$

متغیر مستقل (مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی)

برای سنجش متغیر مستقل از دو معیار مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی استفاده گردید.

مدیریت سود واقعی:

جریان نقدی غیرعادی (حاصل دستکاری فروش)، تولید غیرعادی (حاصل دستکاری تولید) و هزینه های اختیاری غیرعادی (حاصل دستکاری هزینه های اختیاری غیرعادی) به عنوان معیار های مدیریت سود مبتنی بر فعالیت های واقعی شناخته می شوند (کیم و سون^۱، ۲۰۱۳؛ ۲۰۰۸؛ رویچودری^۲، ۲۰۰۶). سطح غیرعادی این متغیر ها از طریق تفاوت بین میزان واقعی و سطح نرمال آن ها محاسبه می شود.

الف) جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی:

از رابطه زیر برای تخمین جریان نقدی غیرعادی استفاده می شود، به گونه ای که باقی مانده این رابطه به عنوان معیار جریان نقدی غیرعادی در نظر گرفته می شود:

رابطه (۵)

$$\frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که: A: کل دارایی ها، CFO: جریان نقدی عملیاتی، S: فروش و ΔS : تغییرات فروش می باشد.

ب) هزینه های غیرعادی تولید:

از رابطه زیر برای تخمین تولید غیرعادی استفاده می شود، به گونه ای که باقی مانده این رابطه به عنوان معیار تولید غیرعادی در نظر گرفته می شود.

رابطه (۶)

$$\frac{PROD_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_4 \left(\frac{\Delta S_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که: PROD بهای تمام شده کالای فروش رفته.

ج) هزینه های غیرعادی اختیاری:

از رابطه زیر برای تخمین هزینه های اختیاری غیرعادی استفاده می شود، به گونه ای که باقی مانده این رابطه به عنوان معیار هزینه های اختیاری غیرعادی در نظر گرفته می شود.

رابطه (۷)

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{S_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که: DISEXP جمع هزینه های اداری، عمومی و فروش.

در نهایت به پیروی از کوهن و زاروین در سال ۲۰۱۰ و زانگ در سال ۲۰۱۲ به منظور محاسبه یک معیار یکپارچه از اجزای مختلف مدیریت سود واقعی، باقی مانده های هر سه مدل را با یکدیگر جمع کردند. آن ها پیشنهاد نمودند جهت سادگی در تفسیر معیار حاصل شده، عدد ۱- در مقادیر خطای مدل اول و سوم ضریب شود.

شاخص یکپارچه مدیریت سود واقعی = (خطاهای مدل اول * ۱-) + (خطاهای مدل دوم) + (خطاهای مدل سوم * ۱-)

مدیریت سود تعهدی

دومین متغیر مستقل این تحقیق مدیریت سود تعهدی است که از مدل جونز استفاده شده است.

مدل مزبور به صورت زیر مطرح شد:

¹ Kim & Sun

² Roychowdhury

رابطه (۸)

$$\frac{TACC_t}{Asset_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Asset_{t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_t}{Asset_{t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_t}{Asset_{t-1}} + \varepsilon$$

در این رابطه، TACC نماینده‌ی کل اقلام تعهدی، $\frac{1}{Asset_{t-1}}$ بیانگر تقسیم عدد ۱ بر جمع کل دارایی‌های ابتدای سال، ΔREV_t تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_t بیانگر جمع دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) به صورت ناخالص (قبل از کسر استهلاک انباشته) می‌باشد. ε نیز نشان‌دهنده‌ی مقادیر خطای مدل است.

رابطه (۹)

$$Accruals = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STD)$$

در این رابطه، Accruals بیانگر کل اقلام تعهدی، ΔCA بیانگر تغییرات دارایی‌های جاری در سال جاری نسبت به سال قبل $(CA_t - CA_{t-1})$ ، $\Delta Cash$ بیانگر تغییرات مانده‌ی وجه نقد در سال جاری نسبت به سال قبل، ΔCL بیانگر تغییرات بدهی‌های جاری در سال جاری نسبت به سال قبل و ΔSTD بیانگر تغییرات حصه‌ی (بخش) جاری بدهی‌های بلندمدت در سال جاری نسبت به سال قبل است. وجوه نقد از کل دارایی‌های جاری کسر می‌شود لذا، بخش $(\Delta CA - \Delta Cash)$ در کل نشان‌دهنده‌ی تغییرات دارایی‌های جاری غیرنقدی طی سال است. همچنین، حصه‌ی جاری وام‌های بلندمدت از بدهی‌های جاری کسر می‌شود، زیرا بیانگر فعالیت‌های عملیاتی شرکت نیست. در نهایت قدر مطلق خطاهای مدل رگرسیون نشان دهنده مدیریت سود تعهدی می باشد. هرچه این رقم بیشتر باشد، میزان مدیریت سود نیز بیشتر خواهد بود.

نتایج و یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کوچکترین	بزرگترین
نسبت سود هر سهم به قیمت هر سهم	۶۵۰	۰,۰۴۲۳	۰,۰۸۴۰	-۰,۳۳۷۵	۰,۳۰۰۶
بازده هر سهم	۶۵۰	۱,۰۸۴۷	۲,۲۳۵۶	-۰,۶۳۲۰	۱۱,۴۷۷۳
اندازه شرکت	۶۵۰	۱۴,۶۷۱۱	۱,۵۱۶۷	۱۱,۱۹۷۶	۲۰,۱۸۳۳
اهرم مالی	۶۵۰	۰,۵۶۶۹	۰,۲۱۰۳	۰,۰۴۶۹۰	۱,۳۶۳۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۶۵۰	۸,۳۵۵۵	۸,۸۴۹۲	-۰,۱۱۰۰	۳۲,۶۲۲۵
مدیریت سود واقعی	۶۵۰	۰,۰۰۲۵	۰,۲۲۱۵	-۰,۵۰۸۸	۰,۳۳۰۲
مدیریت سود تعهدی	۶۵۰	۰,۱۱۹۷	۰,۱۰۱۳	۰,۰۸۸۴	۰,۳۶۸۶

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد کمترین میزان سود هر سهم به قیمت هر سهم $(-۰/۳۳۷۵)$ و بیشترین مقدار آن $(۰/۳۰۰۶)$ می باشد. میانگین نشان می دهد میزان سود هر سهم نسبت به قیمت هر سهم در بازار برابر با ۴ درصد می باشد.

کمترین میزان بازده سهام نشان می دهد برای شرکتی $(-۰/۶۳۲۰)$ می باشد و بیشترین مقدار آن $(۱۱/۴۷۷۳)$ که بطور میانگین در بورس تهران ۱۰۰ درصد بازده برای هر سهم مشاهده می شود.

میانگین اهرم مالی نشان می دهد ۵۶ درصد دارایی های شرکت های بورس تهران از محل بدهی تامین مالی شده است و از ریسک نسبی حکایت دارد.

میانگین ارزش بازار به ارزش دفتری نشان می دهد هر ۱۰۰۰ ریال سرمایه گذاری در شرکت ها می تواند ۸۰۰۰ برابر ارزش در بازار ایجاد نمایند.

کمترین میزان مدیریت سود واقعی (۰/۵۰۸۸-) و بیشترین مقدار آن (۰/۳۳۰۲) است که بطور میانگین میزان مدیریت سود واقعی نزدیک به صفر است اما میانگین مدیریت سود تعهدی ۱۱ درصد می باشد که دستکاری سود از طریق روش های حسابداری مرسوم تر است.

توزیع فراوانی بازده سهام منفی

جدول (۳): توزیع فراوانی بازده سهام منفی

D	فراوانی	درصد فراوانی
۰	۴۳۳	۶۶,۶۲
۱	۲۱۷	۳۳,۳۸
مجموع	۶۵۰	۱۰۰,۰۰

توزیع فراوانی متغیر بازده سهام منفی نشان می دهد از ۶۵۰ سال شرکت مشاهده، ۳۳ درصد شرکت ها (۲۱۷ شرکت) دارای بازده منفی بوده اند.

برای آزمون فرضیه های پژوهش ابتدا پیش فرض های رگرسیون خطی بررسی می شود و در ادامه نتایج فرضیات مطرح می شود.

نرمال بودن متغیرهای پژوهش

جدول (۴): آزمون شاپیرو- فرانسیا

نام متغیر	آماره Z	مقدار احتمال
نسبت سود هر سهم به قیمت هر سهم	۹,۴۵۰	۰/۰۰۰۰۱
بازده هر سهم	۱۱,۳۲۰	۰/۰۰۰۰۱
اندازه شرکت	۷,۸۳۲	۰/۰۰۰۰۱
اهرم مالی	۳,۳۰۹	۰/۰۰۰۴۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱۰,۰۶۵	۰/۰۰۰۰۱
مدیریت سود واقعی	۶,۲۸۰	۰/۰۰۰۰۱
مدیریت سود تعهدی	۸,۷۱۴	۰/۰۰۰۰۱

نتیجه آزمون شاپیرو- فرانسیا برای متغیرهای پژوهش نشان می دهد. چون سطح معناداری متغیرها کمتر از ۵ درصد می باشد، بنابراین متغیرهای پژوهش از حالت توزیع نرمال تبعیت نمی کند. از آنجا که متغیرهای حسابداری در ایران تحت تأثیر اقتصاد تورمی می باشد و طی سال های اخیر شدت نوسانات بیشتر شده است، لذا با اعمال حذف داده های پرت در سطح ۵ درصد نتایج زیر حاصل شد. از اینرو با در نظر گرفتن قضیه حد مرکزی در ریاضیات و عدم دخل و تصرف در ماهیت اطلاعات به بررسی سایر فروض رگرسیون خطی پرداخته شد.

آزمون اف لیمر (چاو)

فرض های مربوط به آزمون اف لیمر (چاو) به شرح زیر است:
فرضیه صفر: همه ی عرض از مبدأها در مدل باهم برابرند.

فرضیه‌ی مقابل: حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است.
فرض صفر در آزمون چاو بیانگر تشابه عرض از مبدأها در سطح شرکت‌ها و سال‌های مختلف است. لذا، در صورت عدم رد فرض صفر، ساختار pool یا اثرات مقید الگوی مناسب خواهد بود. فرض مقابل نیز حاکی از عدم تشابه عرض از مبدأها در سطح شرکت‌ها یا سال‌های مختلف می‌باشد. لذا، در صورت رد فرضیه صفر، ساختار panel اثرات ثابت یا تصادفی الگوی مناسب خواهد بود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول (۵): آزمون اف لیمر

مدل آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۰/۰۰۰۰۱	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
فرضیه دوم	۰/۰۰۰۰۱	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی

طبق نتایج آزمون چاو در جدول ۵ مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون برای فرضیه‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد.

آزمون هاسمن

فرض‌های مربوط به آزمون هاسمن به شرح زیر است:
فرضیه صفر: عدم وجود همبستگی بین عرض از مبدأها و متغیرهای توضیحی.
فرضیه مقابل: وجود همبستگی بین عرض از مبدأها و متغیرهای توضیحی.
فرض صفر در این آزمون بیانگر عدم وجود همبستگی بین مقادیر عرض از مبدأها در بین سال‌ها و شرکت‌های مختلف با متغیرهای توضیحی است. لذا، در صورت عدم رد فرض صفر، ساختار panel با اثرات تصادفی الگوی مناسب‌تری می‌باشد. فرض مقابل نیز حاکی از وجود همبستگی بین مقادیر عرض از مبدأ در بین سال‌ها و شرکت‌های مختلف با متغیرهای توضیحی می‌باشد. لذا، در صورت رد فرض صفر، ساختار panel با اثرات ثابت الگوی مناسب‌تری خواهد بود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول (۶): آزمون هاسمن

مدل آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۰/۰۰۰۰۱	اثرات ثابت عرض از مبدأ
فرضیه دوم	۰/۰۰۰۰۱	اثرات ثابت عرض از مبدأ

طبق نتایج آزمون هاسمن در جدول ۶ سطح معناداری آزمون در فرضیه دوم پژوهش بیشتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات تصادفی برای عرض از مبدأ و برای فرضیه اول کمتر از ۵ درصد بوده که بیانگر پذیرش ثابت برای عرض از مبدأ برای مدل‌های رگرسیونی مطرح شده می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس

وقتی خطاها ناهمسان باشند، انحراف معیار عرض از مبدأ بسیار بزرگ می‌شود. انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شکل ناهمسانی بستگی دارد. برای مثال اگر واریانس خطاها به شکل مثبتی با مجذور یک متغیر توضیحی در ارتباط باشد، انحراف معیار ضریب آن متغیر، بسیار بزرگ خواهد بود (افلاطونی، ۱۳۹۵).
فرض‌های آماری این آزمون به شرح ذیل است.
فرضیه صفر: واریانس مقادیر خطا همسان است.
فرضیه مقابل: واریانس مقادیر خطا همسان نیست.

جدول (۷): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۰/۰۰۰۰۱	وجود ناهمسانی واریانس
فرضیه دوم	۰/۰۰۰۰۱	وجود ناهمسانی واریانس

نتایج حاصل در جدول ۷ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون در همه مدل‌ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلال می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور gls رفع شده است.

آزمون خودهمبستگی سریالی

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش OLS عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. چون مقادیری که متغیرهای توضیحی در مدل به خود می‌گیرند تصادفی هستند، بنابراین مقادیر خطا نیز باید در کل تصادفی باشند؛ یعنی، بین مقادیر جملات خطا همبستگی و ترتیب خاصی وجود نداشته باشد و در طول زمان به‌طور منظم تغییر نکند، زیرا اگر چنین باشد، تغییرات جملات خطا تصادفی نبوده و به مقادیر متغیرهای توضیحی وابسته خواهد بود. همبستگی بین مقادیر خطا ممکن است در بین سال‌های مختلف و یا در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

فرضیه‌های آماری و پژوهش در آزمون به شرح زیر است:

فرضیه‌ی صفر: عدم وجود خودهمبستگی

فرضیه‌ی مقابل: وجود خودهمبستگی

جدول (۸): نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

مدل آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۰/۰۰۰۰۲	عدم وجود خودهمبستگی
فرضیه دوم	۰/۰۰۰۰۲	عدم وجود خودهمبستگی

با توجه به نتایج جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والد ریچ برای فرضیه اول کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. برای رفع این امر در تخمین نهایی مدل پس از رفع توسط آزمون والد ریچ این مورد اقدام به بررسی فرضیه شده است اما در مورد فرضیه دوم از عدم وجود خودهمبستگی سریالی حکایت دارد.

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد: بین مدیریت سود واقعی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

فرضیه صفر: بین مدیریت سود واقعی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود ندارد.

فرضیه مقابل: بین مدیریت سود واقعی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد.

جدول (۹): علامت های اختصاری نتایج آزمون

بازده هر سهم	Return	RET
اندازه شرکت	Size	Size
اهرم مالی	Leverage	Lev
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	Market Value_Book Value	MV_BV
متغیر مجازی در صورت که شرکت بازده منفی داشته باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر	Dummy	D
مدیریت سود واقعی	Real Earning Management	Real_Earn
مدیریت سود تعهدی	Accruals_Earning Management	Accruals_Earning

جدول (۱۰): نتایج آزمون فرضیه اول

سطح معناداری	آماره z	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها
۰/۶۱۴	-۰/۵۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۰	RET($\mu_0 + \mu_1 \text{ size} + \mu_2 \text{ Lev} + \mu_3 \text{ Mv_Bv}$)
۰/۹۰۷	۰/۱۲	۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۰۷	D
۰/۸۰۰	۰/۲۵	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۲	$D + D * Ret(\lambda_0 + \lambda_1 \text{ size} + \lambda_2 \text{ Lev} + \lambda_3 \text{ Mv_Bv})$
۰/۹۳۶	-۰/۰۸	۰/۰۰۳۱	-۰/۰۰۰۲	δ_1
۰/۰۹۱	۱/۶۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	$\delta_2 * \text{size}$
۰/۴۵۵	-۰/۷۵	۰/۱۲۵۹	-۰/۰۹۴۱	$\delta_3 * \text{Lev}$
۰/۳۶۴	-۰/۹۱	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳	$\delta_4 * \text{Mv_Bv}$
۰/۳۰۷	-۱/۰۲	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳	$\delta_5 D * \text{size}$
۰/۶۴۰	۰/۴۷	۰/۱۹۵۲	۰/۰۹۱۳	$\delta_6 D * \text{lev}$
۰/۷۳۶	-۰/۳۴	۰/۰۰۴۴	-۰/۰۰۱۴	$\delta_7 D * \text{mv}$
۰/۰۱۸	-۲/۳۶	۰/۰۱۵۹	-۰/۰۳۷۷	Real_Earn
۰/۱۷۶	-۱/۳۵	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۴	Real_Ear*RET($\mu_0 + \mu_1 \text{ size} + \mu_2 \text{ Lev} + \mu_3 \text{ Mv_Bv}$)
۰/۰۲۵	-۲/۲۳	۰/۰۲۶۸	-۰/۰۵۹۹	Real_Earn * D
۰/۰۰۵	-۲/۸۲	۰/۰۰۵۸	-۰/۰۱۶۴	$\text{Real_Earn} * D + D * Ret(\lambda_0 + \lambda_1 \text{ size} + \lambda_2 \text{ Lev} + \lambda_3 \text{ Mv_Bv})$
۰/۵۳۴	۰/۶۲	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۶۳	Real_Earn* δ_1
۰/۰۰۰	۳/۶۴	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۲۰	Real_Earn* $\delta_2 * \text{size}$
۰/۶۱۸	۰/۵۰	۰/۵۰۴۴	۰/۲۵۱۷	Real_Earn* $\delta_3 * \text{Lev}$
۰/۹۵۱	۰/۰۶	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۰۱	Real_Earn* $\delta_7 D * \text{mv}$
۰/۰۰۴	-۲/۸۶	۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۵۲	Real_Earn* $\delta_5 D * \text{size}$
۰/۲۸۵	۱/۰۷	۱/۲۹۲۶	۱/۳۸۳۴	Real_Earn* $\delta_6 D * \text{lev}$
۰/۷۵۶	-۰/۳۱	۰/۰۱۶۷	-۰/۰۰۵۲	Real_Earn* $\delta_7 D * \text{mv}$
۰/۰۰۰	۶/۸۰	۰/۰۰۵۸	۰/۰۴۰۱	مقدار ثابت
	۱۲ درصد			ضریب تعیین
	۵۱/۴۷			آماره والد
	۰/۰۰۰۲			سطح معناداری

نتایج جدول ۱۰ نشان می دهد که متغیر $(\lambda_0 + \lambda_1 \text{ size} + \lambda_2 \text{ Lev} + \lambda_3 \text{ Mv_Bv})$ با $\text{Real_Earn} * D + D * \text{Ret}$ ضریب $(-0/0164)$ و سطح معنی داری $(0/0005)$ نشان می دهد ارتباط معکوس (منفی) با مدیریت سود واقعی دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. ضریب تعیین برابر با ۱۲ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با $51/47$ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می دارد: بین مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد. از این رو فرضیه را می توان به صورت زیر نوشت:

فرضیه صفر: بین مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود ندارد.
فرضیه مقابل: بین مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری ارتباط وجود دارد.

جدول (۱۱): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
$\text{RET}(\mu_0 + \mu_1 \text{ size} + \mu_2 \text{ Lev} + \mu_3 \text{ Mv_Bv})$	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۲/۴۲	۰/۰۱۶
D	۰/۰۱۴۷	۰/۰۰۹۳	۱/۵۸	۰/۱۱۴
$D + D * \text{Ret}(\lambda_0 + \lambda_1 \text{ size} + \lambda_2 \text{ Lev} + \lambda_3 \text{ Mv_Bv})$	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱۴	۰/۰۸	۰/۹۳۹
δ_1	-۰/۰۰۳۶	۰/۰۰۳۷	-۰/۹۸	۰/۳۲۸
$\delta_2 * \text{size}$	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۲	-۱/۹۹	۰/۰۴۶
$\delta_3 * \text{Lev}$	۰/۳۷۹۰	۰/۲۶۰۳	۱/۴۶	۰/۱۴۵
$\delta_4 * \text{Mv_Bv}$	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۰	-۰/۴۲	۰/۶۷۲
$\delta_5 D * \text{size}$	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۴	۰/۹۵	۰/۳۴۲
$\delta_6 D * \text{lev}$	-۰/۵۴۱۶	۰/۳۵۱۹	-۱/۵۴	۰/۱۲۴
$\delta_7 D * \text{mv}$	-۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۶۴	-۰/۶۹	۰/۴۸۸
Accruals_Earning	-۰/۰۱۶۵	۰/۰۳۲۵	-۰/۵۱	۰/۶۱۱
$\text{Accruals_Earning} * \text{RET}(\mu_0 + \mu_1 \text{ size} + \mu_2 \text{ Lev} + \mu_3 \text{ Mv_Bv})$	-۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۵	-۱/۸۷	۰/۰۶۱
$\text{Accruals_Earning} * D$	-۰/۱۵۹۹	۰/۰۸۲۹	-۱/۹۳	۰/۰۵۴
$\text{Accruals_Earning} * D + D * \text{Ret}(\lambda_0 + \lambda_1 \text{ size} + \lambda_2 \text{ Lev} + \lambda_3 \text{ Mv_Bv})$	-۰/۰۱۸۰	۰/۰۱۴۹	-۱/۲۱	۰/۲۲۶
$\text{Earn}^* \delta_1$	۰/۰۲۷۱	۰/۰۳۰۰	۰/۹۰	۰/۳۶۷
$\text{Accruals_Earning} * \delta_2 * \text{size}$	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۱۶	۳/۲۶	۰/۰۰۱
$\text{Accruals_Earning} * \delta_3 * \text{Lev}$	-۴/۵۰۰۶	۲/۷۲۷۴	-۱/۶۵	۰/۰۹۹
$\text{Accruals_Earning} * \delta_7 D * \text{mv}$	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۷۲	۰/۲۴	۰/۸۰۷
$\text{Accruals_Earning} * \delta_5 D * \text{size}$	-۰/۰۰۹۲	۰/۰۰۴۰	-۲/۲۶	۰/۰۲۴
$\text{Accruals_Earning} * \delta_6 D * \text{lev}$	۵/۴۹۸۰	۳/۲۰۴۲	۱/۷۲	۰/۰۸۶
$\text{Accruals_Earning} * \delta_7 D * \text{mv}$	۰/۰۱۹۴	۰/۰۲۸۹	۰/۶۷	۰/۵۰۱
مقدار ثابت	۰/۰۴۳۵	۰/۰۰۶۴	۶/۷۳	۰/۰۰۰

ضریب تعیین	۱۳ درصد
آماره والد	۳۴/۲۴
سطح معناداری	۰/۰۳۴۱

نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد که $Earn * D + D * Ret(\lambda_0 + \lambda_1 size + \lambda_2 Lev + \lambda_3 Mv_Bv)$ با ضریب (۰/۰۱۸۰) و سطح معنی داری (۰/۲۲۶) نشان می دهد ارتباط معناداری با مدیریت سود تعهدی ندارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار نمی گیرد. ضریب تعیین برابر با ۱۳ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۴/۲۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه گیری و تفسیر یافته های پژوهش

محافظه کاری از ویژگی های بارز گزارشگری مالی است که از مدت ها قبل با تئوری عمل حسابداری در هم آمیخته است. به بیان بهتر محافظه کاری نتیجه ی الزامات نامتقارن برای شناسایی سودها و زیان های اقتصادی در صورت های مالی شرکت است که منجر می شود حسابداران زیان های اقتصادی را نسبت به سودها به موقع تر شناسایی و منعکس نمایند. مطالعات قبلی نشان می دهد، محافظه کاری باعث ایجاد محدودیت هایی بر مدیریت سود خواهد شد. گوای و ورچیا (۲۰۰۶)، معتقدند که محافظه کاری از طریق شناسایی بلادرنگ زیان ها و به تأخیر انداختن شناسایی سودهای اقتصادی، فرصت های مدیریت سود را کاهش می دهد که با دیدگاه واتز (۲۰۰۳) درباره محافظه کاری سازگار و منطبق است. چن و همکاران (۲۰۰۷)، نشان داد که محافظه کاری می تواند سوگیری های فرصت طلبانه در حسابداری را کاهش دهد.

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و در جهت بسط و توسعه مبانی نظری پژوهش که نتایج متناقضی را منعکس می کند، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و تعهدی با محافظه کاری شرطی مبتنی بر خان و واتس (۲۰۰۹) با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره پرداخت. نتایج تحقیق طی دوره ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نشان داد بین مدیریت سود واقعی و محافظه کاری حسابداری ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد در حالی که بین مدیریت سود تعهدی و محافظه کاری حسابداری ارتباط معناداری مشاهده نشد. به عبارتی بهتر با افزایش میزان محافظه کاری شرکت ها از میزان مدیریت سود واقعی کاسته می شود ولی با مدیریت سود تعهدی ارتباط معناداری مشاهده نگردید. به لحاظ مقایسه با مطالعات گارسیا لارا و گارسیا ادلا (۲۰۱۰) مخالف و با مطالعات هان و لی (۲۰۱۸) همراستا می باشد.

با این اوضاع به سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد در موقع سرمایه گذاری به محافظه کاری مدیران به عنوان معیاری ارزش آفرین در جهت کاهش مدیریت سود واقعی توجه کنند و تلاش نمایند شرکت ها را از طریق محافظه کاری نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. اما با وجود اینکه مدیریت سود تعهدی ارتباط معناداری با محافظه کاری حسابداری نداشت ولی به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود مدیران را از منظر دستکاری مستقیم سود نیز که همواره مورد توجه حسابرسان و استفاده کنندگان است، تحلیل نموده تا تصمیم گیری اثربخشی داشته باشند.

به مدیران پیشنهاد می گردد میزان محافظه کاری می تواند کیفیت سود را نیز تحت تاثیر قرار دهد، از اینرو پیشنهاد می گردد در تصمیمات شرکت عوامل رفتاری مانند محافظه کاری را در قبال سودهای بدست آمده با سایر شرکت ها مقایسه نمایند تا بستر لازم سرمایه گذاری را ایجاد نمایند.

به قانونگذاران (بورس اوراق بهادار تهران و کمیته تدوین استانداردهای حسابداری) پیشنهاد می گردد در تحلیل ها و قانونگذاری بتوانند نتایج این پژوهش را بسط داده و با اعمال محدودیت هایی از گزارشگری نامطلوب بخصوص در زمینه سود حسابداری قوانینی را در نظر بگیرند که وظیفه مباشرت مدیران بیشتر منعکس شود.

منابع

- ✓ اعتمادی، حسین، فرج زاده دهکردی، حسن، (۱۳۹۱)، تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۱-۱۹.
- ✓ انصاری، عبدالمهدی، صفری بیدسکان، سعید، (۱۳۹۳)، بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و عوامل موثر بر آن، دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۷.
- ✓ انصاری، عبدالمهدی، دری سره، مصطفی، شیرزاد علی، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره نوزدهم، صص ۶۱-۷۸.
- ✓ احمدی، یاسر، بنی مهد، بهمن، طالب نیا، قدرت اله، پورزمانی، زهرا، (۱۳۹۹)، تاثیر مدیریت سود بر رابطه میان خطای پیش بینی سود و محافظه کاری، حسابداری مدیریت، سال سیزدهم، شماره چهل و پنج، صص ۲۰۱-۲۱۷.
- ✓ بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن پور، شیوا، (۱۳۹۶)، پژوهش های تجربی و روش شناسی در حسابداری، چاپ سوم، تهران، انتشارات ترمه.
- ✓ بهرادفر، علی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه استراتژی تجاری بر محافظه کاری و مدیریت و علوم انسانی، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم انسانی.
- ✓ دارابی، رویا، پژوهشهای تجربی در حسابداری جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد و دفتر تهران جنوب.
- ✓ شریفیات، پگاه، غیاثوند، علی، طباطبائی، معصومه، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر محافظه کاری بر سهامداران نهادی و مدیریت سود، کنفرانس بین المللی در ایده های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- ✓ نوروش، ایرج، ناظمی، امین، حیدری، مهدی، (۱۳۸۵)، کیفیت ارقام تعهدی و سود با تأکید بر نقش خطای برآورد ارقام تعهدی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳، صص ۱۳۵-۱۶۰.
- ✓ مشایخی، بیتا، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، کرمی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۶۱-۷۴.
- ✓ نوروش، ایرج، سپاسی، سحر، نیک بخت، محمد رضا، (۱۳۸۴)، بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۲، صص ۱۶۵-۱۷۷.
- ✓ ولی زاده لاریجانی، زهرا، (۱۳۸۷)، نتایج مدیریت واقعی سود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.
- ✓ شورورزی، محمدرضا، برزگر خاندوزی، عابدین، (۱۳۸۸)، نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه کاری، بررسی دیدگاههای متفاوت در باب محافظه کاری، مجله حسابدار، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۵۶-۶۳.
- ✓ Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics* Vol. 24, pp. 3-37.
- ✓ Kim, B., Jung, K. (2007). The influence of tax costs on accounting conservatism, Working paper, Korea advanced institute of science and technology.
- ✓ Paeak, W., Chen, L. H. and sami. H., (2007). Accounting conservatism, Earning persistence and pricing multiples on earnings, WWW. SSRN. Com.
- ✓ Garsia Lara, J. M., Garsia Osama, B., Penalva, F., (2010), Accounting conservatism and firm investment efficiency, papers.ssrn. Com.
- ✓ Callen, J.L., and D. Segal. (2010). A Variance Decomposition Primer for Accounting Research. *Journal of Accounting, Auditing & Finance* 25 (1): 121-142.

- ✓ Dechow, P. M., R.G. Sloan and A.P. Sweeney.(1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review* 70 (2): 193-225.
- ✓ Zang, A. Y.(2012). Evidence on the tradeoff between real activities manipulation and accrualbasedearnings management. *The Accounting Review* 87 (2): 675-703.
- ✓ Zhang, J.(2008). The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of Accounting and Economics* 45: 27-54.
- ✓ Charitou, A., Lambertides, N. and Trigeorgis, L. (2007a). Managerial discretion in distressed firm, *British Accounting Review*, 39: 323–346.
- ✓ Graham, J. R., Harvey, C. R. and Rajgopal, S. (2005). Theeconomic implications of corporate financial reporting, *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1–3): 3–73.
- ✓ Saleh N. M. and Ahmed, K. (2005). Earnings managementof distressed firms during debt renegotiation, *Accounting and Business Research*, 35 (1): 69–86.
- ✓ Saleh N. M. and Ahmed, K. (2005). Earnings managementof distressed firms during debt renegotiation, *Accounting and Business Research*, 35 (1): 69–86.
- ✓ McNinhols M. F. (2000). Research Design issues in earnings management studies, *Journal of accounting andPublic Policy*. 19: 313-345.
- ✓ Neophytou, E. and Mar Molinero C. (2004). Predictingcorporate failure in the UK: A multidimensional scaling approach, *Journal of Business Finance and Accounting*, 31(5/6): 677–710.
- ✓ Al-Attar, A., Hussain, S., and Zuo, L.Y. (2008). Earningsquality, bankruptcy risk and future cash flows, *Accounting and Business Research*, 38 (1): 5–20.
- ✓ Jensen, M. (2005). Agency costs of overvalued equity, *Financial Management* Spring: 5–19.
- ✓ Graham, J. R., Harvey, C. R. and Rajgopal, S. (2005). Theeconomic implications of corporate financial reporting, *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1–3): 3–73.